

گزارش روزنامه صبا درباره مستندسازی جنگ در ایران معاصر

مستندسازان، دیکته‌بانان حقیقت



جنگ در قاب مستندساز روایت صبر و حماسه

جنگ و اشکال مختلف آن لاجرم تجربیات متفاوتی را به دنبال دارد که هر کدام بر اساس طرف‌های درگیر و مواجهه انسانها با آن به روایت‌های متعددی می‌انجامد. تو گویی که هر انسان جهان روایی خود را از جنگ دارد اما در این میان مستندسازان نقش بزرگی در انتقال این روایات به نسلی دارند که شاید تجربه کم‌رنگ و مبهمی از جنگ داشته باشند. به همین علت پس از گفتگو با چند تن از فعالین این عرصه، نگارنده این مطلب در تلاش است تا شما مخاطبین گرامی را با دیدگاه‌ها، مخاطرات و بعد تاریخی مستندسازی جنگ و حتی ضد جنگ آشنا کند. شاید به نظر برسد که ثبت و ضبط وقایع جنگ و بحران بیشتر امری خبری است اما سعید فرجی نویسنده کتاب «روایت سفرهای زائران مناطق جنگی» که او را بیشتر به عنوان عکاس و مستندساز بحران می‌شناسند، در این مورد می‌گوید: وقتی وارد مناطق بحرانی می‌شویم، دو گروه رسانه داریم؛ خبری و مستندنگار. بیشترین تلفات هم در نیروهای خبری است چون می‌خواهند به‌طور لحظه‌ای با عملیات جلو بروند و همین موجب خطا و از دست رفتن جان آن فرد می‌شود. مستندساز نیاز به صبر کردن دارد و وقتی کار خبرنگار تمام می‌شود، تازه کار مستندساز شروع می‌شود. اگر این تفاوت را شناسیم ممکن است دچار خطا شویم. چرا که فضای جنگی هیجان‌انگیز و در عین حال ترسناک است.

سعید فرجی در مورد مواجهه مستندساز با سوژه چنین رخدادی می‌گوید: در چنین موقعیت‌هایی، شما مرگ و آوارگی می‌بینید و مهم است که حس موقعیت‌ها را منتقل کنید؛ حتی اگر مستند شما از نظر تصویر و کادربندی و وضعیت فنی، کیفیت پایینی داشته باشد در چنین صورتی می‌تواند اثرگذار باشد. اگر متوجه این

موضوع نشویم، ما تنها حمل‌کننده دوربین خواهیم بود؛ کسی که حتی جانش را هم بیپرده به خطر انداخته است. این مستندساز بحران، همچنین به موضوع اهمیت قصه در تدوین مستند اشاره کرده و می‌گوید: ما جایی برنده‌ایم که قصه داشته باشیم. اگر قصه را خوب تعریف کنیم، حتی اگر کیفیت تصویر و صدا پایین باشد هم فیلم ما جواب می‌دهد. بخشی از روند قصه‌گویی، روی میز تدوین گرافیک می‌افتد. مثلاً تدوین گرافیک که تصمیم می‌گیرد داستان یک واقعه را از میانه یک عملیات تعریف کند. اساساً ترکیب یک تیم تولید در میدان و یک تدوینگر با تجربه، باعث می‌شود که مخاطب خود را دچار جو نکنیم. بلکه در فضایی آرام او را می‌نشانیم تا برایش قصه‌ای را تعریف کنیم.

سیاوش صفاریان پور، کارگردان: تفاوت مستند با خبر، در تألیف است

در دوران انفجار اطلاعات و حضور پررنگ شهروندخبرنگاران، مرز میان «مستندسازی» و «وقایع‌نگاری تصویری» بیش از هر زمان دیگری مبهم شده است. سیاوش صفاریان پور، کارگردان مستند «کاپیتان من»، این تحول را ناشی از گسترش فناوری و در دسترس بودن ابزارهای تصویربرداری می‌داند و می‌گوید: یک حقیقت راجع به تصویربرداری و وقایع‌نگاری جنگ در قرن بیست و یکم و در این سال‌هایی که ما هستیم، این است که در دورانی که انقلاب صنعتی چهارم رخ داده و اینترنت بخش جداناپذیر از زندگی ما است مستندسازی با گوشی‌های تلفن همراه و توسط آدم‌های مختلف این شانس را ایجاد کرده که به نوعی همه ما به وقایع‌نگاری ماجراجویی که بخشی از تاریخ یک کشور و بخشی از تاریخ سیاره زمین است کمک کنیم و من فکر کنم که این جالب‌ترین بخش دنیای امروز ما و تکنولوژی

در دسترس مان است که به وقایع‌نگاری و مستندسازی کمک کرده است.

با این حال صفاریان پور تفاوت این وقایع‌نگاری را با مستندسازی اینگونه بیان می‌کند: این مسئله از این نظر که ما می‌توانیم خیلی به سوژه نزدیک باشیم اهمیت دارد چون خیلی وقت‌ها برای ساخت فیلم مستند ما با دوربین و عوامل مختلف سازنده همراه می‌شویم تا یک صحنه را ضبط و ثبت کنیم در حالیکه امروزه تلفن همراه این شانس را به ما داده که بی‌واسطه به سوژه نزدیک شویم. حالا ممکن است مستندساز باشیم یا آدمی که در یک موقعیت قرار گرفته‌ایم و حواسمان هست که دوربینمان را روشن کنیم و قاب و کادر درستی را به دست بگیریم و بتوانیم آن صحنه را ثبت کنیم. اما این که ما خیلی وقت‌ها تفاوتی بین خبرنگاری و ژورنالیسم یا در واقع ویدیو ژورنالیسم و مستندسازی قائل هستیم به خاطر روایتی است که مستندساز از ماجراجویی که خود شاهد عینی آن است ارائه می‌کند که تا حدی شاید با تصویربرداری یا به نوعی مقاله‌نگاری خبری تفاوت دارد. در حال حاضر شرایط به گونه‌ای است که ما انفجاری را در حوالی خودمان می‌بینیم، با گوشی همراه تصویربرداری می‌کنیم و در پلتفرم‌های مجازی و سوشال مدیا با دیگران به اشتراک می‌گذاریم اما به عقیده من یک مرز باریک بین مستندسازی و این شیوه وقایع‌نگاری وجود دارد، اینکه در مستندسازی روایت یک مولف در پس ساخته شدن یک مجموعه تصویری که در کنار هم قرار می‌گیرند وجود دارد و همین بین کار یک مستندساز با یک شهروند عادی تمایز ایجاد می‌کند و هر چند که هر دو تا جالب توجه اند ولی من فکر می‌کنم که این روزها مستندسازها احتمالاً بیشتر در حال ثبت وقایع هستند و ما باید منتظر بمانیم که روایت‌ها ساخته شوند. در واقع هنوز آن روایت‌هایی که به نوعی تألیف یک مستندساز هست به نظر من به آن شکل ایجاد نشده چرا که قرار دادن



مریم عطیمی
گزارش

در روزگاری که تصویر، پیش از معنا به اشتراک گذاشته می‌شود و حقیقت، پیش از تحلیل در شبکه‌های اجتماعی دفن، مستندسازان جنگ وظیفه‌ای فراتر از ثبت انفجارها و ویرانی‌ها دارند. آن‌ها نه راوی لحظه، که جستجوگران حقیقت‌های پنهان زیر خاکسترند؛ شاهدانی بی‌ادعا که با دوربینی لرزان، میان آوار و اضطراب، به دنبال تکه‌های ناپیدای انسانیت می‌گردند. در این گزارش، با سه مستندساز ایرانی گفت‌وگو کرده‌ایم که با جنگ را زیسته‌اند، یا از دلش عبور کرده‌اند، یا به دنبال ردپای آن در زندگی امروز رفته‌اند. روایت‌هایشان صریح است و گاه تلخ؛ پر از تردید، اما خالی از رُست. آن‌ها از فاصله میان ثبت و روایت می‌گویند، از اخلاق، از حقیقت، از نقش خود و از ترس‌هایی که هنوز در لنز دوربین جا مانده‌اند.